



۲۳ دی ماه، یعنی ۵ روز پس از فجایع تلخ ۱۸ دی ماه در ایران، اینترنشنال تعداد کشته‌های این وقایع را ۱۲ هزار نفر اعلام کرد. ۱۲ هزار نفر را اگر قرار بود اینترنشنال فقط یک خط در موردشان بشنود و چنانچه ادعا دارد، «راستی آزمایی حرفه‌ای» کند و به «ارزیابی دقیق‌تر» برسد، بیشتر از این باید طول می‌کشید. حدود ۱۰ روز بعد، اینترنشنال این عدد را ناگاه سه برابر کرد و عدد ۳۶ هزار کشته را در ۵ بهمن ماه اعلام کرد. روشن نیست فردا و فرداهای دیگر، اینترنشنال چه عددی را اعلام کند. وقتی قرار است کشته‌ها فقط عدد باشند و از میان چند ده هزار کشته‌ای که ادعا می‌شود، صرفاً عکس و هویت چند ده نفر منتشرش شود و چون چند ده نفر هم عدد زیادی است و در ذهن مخاطب «عدد بالا» نقش می‌بندند، ممکن است اینترنشنال در روزها و هفته‌های آینده، این اعداد را به جای سه برابر، ۱۰ برابر کند. وقتی قرار نیست مستندی برای ادعای عددی خود ارائه کند و وقتی جایی برای راستی‌آزمایی این آمارها وجود ندارد، چرا اعداد مدام با شیب صعودی تند بالاتر و بالاتر اعلام نشود؟

— اعداد ازپیش آماده شده

هدف اصلی این اعداد، اعلام میزان جنایت رخ داده بر مردم ایران نیست—گرچه در پوشش چنین انگیزه‌ای اعداد اعلام می‌شود— بلکه در واقعیت، هدف فراهم کردن زمینه‌های حمله نظامی به ایران است. هدف آن است که ایران نامن و مقامات ایران عامل این ناامنی معرفی شوند، لذا اعداد بی توجه به هیچ دلیل و استناد و استدلالی چندبرابری بالا می‌برند. نکته‌ای که باید در این زمینه توجه شود این است که اعلام اعداد از سوی اینترنشنال، گرچه یک اقدام پستی نسبت به وقایع ۱۸ دی ماه است و گرچه تعداد کشته‌ها طبعاً باید پس از وقوع آن اعلام شود، اما در مورد آمار کشته‌های وقایع دی ماه در اینترنشنال یا از زبان رضا پهلوی که این عدد را ۵۰ هزار تا می‌داند، این اعداد در واقع از قبل آماده شده‌اند تا در طول زمان -به بهانه اینکه آمار تدریجاً به دستمان می‌رسد- و به تناسب پیشرفت پروژه کف خیابان و پروژه‌های سیاسی پیوست به آن، بیان شوند.

در واقع از قبل تعیین شده که در روز پنجم عدد فلان از سوسی فلان منبع ودر روز دهم عدد دیگر از سوسی منبعی دیگر بیان شود و سایر رسانه‌ها و منابع غربی هم با پوشش گسترده آن، مهر تایید بزنند. اعلام این اعداد در

واقع بخشی از پیوست رسانه‌ای عملیات گسترده کشته‌گیری و کشته‌سازی و جنایات هسته‌های تروریستی است. هم از این روست که برای عدد گفتن نیازی به استدلال و راستی‌آزمایی ندارند.

پیش از شدت گرفتن خشونت‌ها در تجمعات دی ماه، اکانت موساد در توئیتر با یک جمع و تقسیم حساب کرده بود که تا ۸۰۰ هزار کشته هم برای ایرانیان جا دارد!

— آدم‌ها عدد نیستند

در دنیای واقعیت و خارج از نقشه‌ای که موساد و سیا برای ایران و برای اعداد کشته‌ها کشیده‌اند، آدم‌ها عدد نیستند. آن‌ها هویت دارند، خانواده و دوست و همکار و همکلاسی و همسایه دارند و نبودشان جمعی زیاد را مطلع کرده و حتی تحت تأثیر قرار می‌دهد و آن‌ها هم دیگران را مطلع می‌کنند. لذا فقدان ۳۶ هزار نفر، باید چند میلیون نفر را درگیر خود کرده و شبکه‌ای میلیونی از انسان‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. لذا درنهایت امکان مخفی کاری در مورد فقدان تعداد بالای انسان وجود ندارد. یک نفر و ده نفر و حتی صد نفر را شاید بشود پنهان کرد، اما ۳۶ هزار نفر چگونه می‌توانند در یک کشور کم شوند؟ خانواده‌ها و دوستان آن‌ها کجا هستند؟ کجا دفن شده‌اند؟ و... آیا می‌توان ادعا کرد که این پنهان‌سازی در سطح جامعه هم رخ داده و دولت و مردم با هم تصمیم گرفته‌اند در مورد کم شدن چند ده هزار نفر آدم صحبتی نکنند؟! در غیر این صورت، دولت چگونه می‌تواند مرگ چند ده هزار نفر را پنهان کند، اگر جامعه نخواهد آن‌ها را پنهان کند؟ آیا ۳۶ هزار خانواده، ۳۶ هزار شبکه رفاقت حقیقی و مجازی، ۳۶ هزار حلقه همکاری و... همه با هم تصمیم گرفته‌اند در مورد فقدان عزیزشان سکوت کنند؟ مرگ ۵۰ هزار نفر آدم در یک شهر، باید حداقل ۵۰ هزار نشانه بروز دهد و هر قدر سرکوب رخ دهد، این حجم انسان و این حجم نمود و بروز را نمی‌توان پنهان کرد و حتماً از جایی بیرون می‌زند.

— اینترنشنال کدملی کشته‌ها را منتشرکند

آدم‌ها خارج از بیانیه‌های کذایی اینترنشنال عدد نیستند و هویت دارند و با داستان‌سرایی در مورد زندگی و بیوگرافی چند ده نفر آدم و با دانشجو نامیدن منافقین، جوان ناکام دانستن اردل و اوباش و شهروند عادی خطاب کردن تروریست‌های مسلح موساد، نمی‌توان درستی عددی چند هزار برابری

یک چالش برای رسانه‌های اپوزیسیون که دربارهٔ تعداد جان باختگان مزایده گذاشته‌اند

موساد اینترنشنال ۱۲۰۰۰ کدملی منتشرکند

را توجیه کرد. گرچه همان تعدادی هم که هویت تحریف شده‌شان در اینترنشنال منتشر شده، بعضاً روشن شده زنده بودند یا تروریست بودند یا توسط تروریست‌ها کشته شده‌اند!

هر ایرانی شناسنامه و کارت ملی دارد و با یک کدملی شناخته می‌شود. اینترنشنال و سایر رسانه‌های غربی تبلیغ می‌کنند که تعامل خوبی با خانواده‌های کشته شدهگان دارند و اگر اینترنت قطع نباشد، این مثلاً رسانه‌ها می‌توانند اطلاعات کافی از این کشته‌ها منتشر کنند. طبعاً اکنون که مشکل قطعی نت نیست، اینترنشنال می‌تواند کدملی کشته‌ها را از طریق خانواده‌ها به دست بیاورد، همان طور که اصل زنده و مرده بودن افراد را به دست آورده است. لذا انتظار گزافی نیست که از اینترنشنال خواسته شود نه ۳۶ هزار کد ملی، بلکه فی الحال ۱۲ هزار کدملی کشته شدگانی را که ادعا کرده، منتشر کند.

مردم ایران عدد نیستند که آمار کشته شدنشان به مزایده و مسابقه‌ای بین اینترنشنال و گاردین و رضا پهلوی و صدای آمریکا و بی‌بی‌سی تبدیل شود. عدد را با کد ملی و نه اسامی تحریف شده، منتشر کنند تا بشود راستی‌آزمایی کرد و بشود بفهمیم در مورد چه کسانی صحبت می‌کنند.

— ترامپ عدد ۸۰۰ را از کجا آورده بود؟

در روزهای پس از ۱۸ دی ماه، ترامپ که مدعی بود برای حمله به ایران به منظور مقابله با آنچه کشتار و سرکوب ایرانیان توسط جمهوری اسلامی می‌نامد، آماده است؛ ناگاه اعلام کرد که ایران گفته از اقدام ۸۰۰ نفر از دستگیرشدگان تجمعات که قرار بوده اعدام کند، چشم‌پوشی کرده و لذا دیگر به ایران حمله نمی‌کند. این ادعای ترامپ البته همچون بسیاری دیگر از ادعاهای او تکذیب شد، اما مهم بود که این عدد از کجا آمده بود؟ روال دادگاهی و مجازات در ایران متأسفانه اغلب طولانی و زمان‌بر است و هر قدر هم کوتاه باشد، بیش از چند روز طول می‌کشدا! چه رسد که با این سرعت به اعدام هم رسیده باشد!

شاید بیره نباشد که بگو بیم ترامپ از عدد تروریست‌های مسلح و جاسوسانی که به ایران فرستاده بودند، مطلع بود و مانور رسانه‌ای‌اش را روی همان عدد پیاده کرد. وقتی قرار است بازی با اعداد، بخشی از یک پروژه سیاسی باشد، آدم‌ها هم عدد می‌شوند و هر عددی هم ممکن است اعلام شود و با سیر صعودی شدید، مدام هم چندبرابر شود!



آمریکایی و ایرانی، بر ضرورت پایبندی به مسیر دیپلماسی و فراهم‌سازی زمینه برای از سرگیری گفت‌وگوهای مستقیم یا غیرمستقیم میان واشنگتن و تهران تأکید کرده است. این موضع‌گیری مصر به عنوان یک کشور واسطه، نشان‌دهنده تلاش برخی بازیگران منطقه‌ای برای کاهش تنش ها و بازگشت به میز مذاکره است.

وزیر امور خارجه ایران نیز این تماس‌ها را تأیید و ائشاره کرد که تعدادی از کشورها در نقش میانجی فعالانه در حال رایزنی هستند و تهران با آن‌ها در ارتباط است. با این حال، سیدعباس عراقچی هرگونه تماس مستقیم با استیو ویتکاف نماینده ویژه دونالد ترامپ در امور منطقه را تکذیب و تأکید کرد که ایران هیچ‌گاه درخواست مذاکره مستقیم نداشته است. این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که آمریکا با شروطنی غیر قابل پذیرش از ایران می‌خواهد تا به میز فرمان‌پذیری ترامپ تن دهد. در همین راستا کاظم غریب‌آبادی در واکنش به اظهارات روز گذشته ترامپ که از ایران خواسته بود یا «سریعاً» به خواسته‌های آمریکا تن دهد و یا منتظر حمله نظامی باشد اینگونه واکنش نشان داد: «اگر تهران و واشنگتن، پشت میز مذاکرات هم بنشینند، به این معنا نیست که تهران آمادگی خود را برای هرگونه جنگ احتمالی کاهش خواهد داد. اولویت تهران در حال حاضر مذاکره با آمریکا نیست بلکه آمادگی ۲۰۰ درصدی برای دفاع از کشورمان است.» معاون وزیر امور خارجه تک‌تد کرد: «اولویت ما دفاع از ایران است نه مذاکره با آمریکا.»

— تکرار مطالبات زیاده‌خواهانه در داووس

استیو ویتکاف، نماینده ویژه ترامپ، در حاشیه اجلاس اقتصادی داووس و در گفت‌وگو با شبکه عرب نیوز، اظهار داشت که ایران باید هرچه سریع‌تر به میز دیپلماسی بازگردد. این سخنان در شرایطی بیان شد که ایران بارها اعلام کرده همواره به راه‌حل‌های دیپلماتیک پایبند بوده و این ایالات متحده بود که در میانه مذاکرات، با خروج یک‌جانبه از برجام و حمایت از تجاوز رژیم صهیونیستی، به مسیر دیپلماسی خیانت کرد و زمینه‌ساز جنگ ۱۲ روزه علیه ایران شد. ویتکاف همچنین در مصاحبه‌ای با شبکه‌سی‌ان‌بی‌سی تأکید کرد که در حال حاضر هیچ مذاکراهی میان واشنگتن و تهران در جریان نیست، اما برخی تماس‌ها میان طرفین برقرار بوده است. نماینده آمریکا در منطقه در ادامه مجدداً شروط زیاده‌خواهانه آمریکا برای میز دستور دادن آمریکا به ایران را که نام «مذاکره» بر آن نهاده شده است اینگونه مطرح کرد: «بدیهی است که توافق باید موشک‌ها، غنی‌سازی اورانیوم و مواد مربوطه را پوشش دهد.»

دولت ترامپ برای احیای هرگونه توافق با ایران، شش‌روطنی فراتر از مفاد برجام و حتی توافقات‌های پیشین مطرح کرده است. این شروط شامل توقف کامل غنی‌سازی اورانیوم در خاک ایران، خارج‌سازی تمام ذخایر اورانیوم غنی‌شده از کشور، محدودیت شدید برنامه موشکی به برد زیر ۳۰۰ کیلومتر و قطع کامل حمایت ایران از گروه‌های مقاومت در منطقه است. این شروط در مجموع به معنای خلع سلاح کامل ایران در ابعاد هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای است. آمریکا با طرح این مطالبات عملاً به دنبال محدود کردن توان دفاعی و بازدارندگی ایران در برابر تهدیدات خارجی به‌ویژه رژیم صهیونیستی است. درحالی‌که آمریکا تلاش دارد عدم تن دادن ایران به شروط ترامپ را دلیل حمله نظامی عنوان کند مطالبات مطرح شده نشان می‌دهد که تن دادن ایران به خلع سلاح شرایط را اتفاقاً برای حمله نظامی مهیاتر می‌کند اگر تاکنون ابزارهای بازدارنده ایران جلو قطعیت حملات نظامی را گرفته بعد از پذیرش شروط آمریکا دیگر هیچ دلیلی برای عدم

مهرداد علیپور، کارشناس مسائل چین درگفت وگو با «فرهیختگان»:

چرا ژنرال‌های چینی برکنار شدند



روز گذشته در شبکه‌های اجتماعی فارسی، ادعای کودتا در چین بازناب گسترده‌ای پیدا کرد. این خبر می‌گفت که شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین برای مهار این کودتا نزدیک به ۳ هزار نفر از جمله پرسنل نظامی و خانواده‌هایشان را دستگیر کرده است. برای بررسی این ادعا و اخبار منتشر شده در این باره با مهرداد علیپور، پژوهشگر حوزه چین به گفت‌وگو پرداختیم. علیپور ادعای دستگیری ۳ هزار نفره را رد کرده و تحت تحقیق قرارگرفتن برخی ژنرال‌های نظامی چین را به دلیل عدم همسویی آنها بسا اهداف نظامی کلان چین عنوان می‌کند.
مشروح این گفت‌وگو را در ادامه از نظر می‌گذرانید.

شایعه دستگیری ۳ هزار نفر در چین به اتهام تلاش برای کودتا چقدر واقعی است؟

شایعه دستگیری ۳ هزار نفر صرفاً در اخبار غیر رسمی آمده است. وزارت دفاع چین روز شنبه (۲۴ ژانو به ۲۰۲۶) بیانیه رسمی داد و به‌صراحت اعلام کرد دو نفر از اعضای کمیسیون نظامی مرکزی چین تحت تحقیق قرار گرفته‌اند. ژنرال ژانگ یوشیا، معاون ارشد رئیس کمیسیون نظامی مرکزی و ژنرال لیوژن‌لی، رئیس ستاد مشترک کمیسیون نظامی مرکزی دو نفر اصلی هستند که تحت تعقیب قرار گرفته‌اند. در بیانیه وزارت دفاع آمده که این دو نفر به دلیل «نقض جسدی انضباط و قانون» تحت تحقیق هستند. روز بعد روزنامه رسمی ارتش آزادی‌بخش خلق (PLA Daily) نیز در سرمقاله‌ای به صراحت از اتهامات فساد و «عدم وفاداری به رهبری حزب و آقای ششی» سخن گفت. نکته جالب اینکه صفحه بیوگرافی ژنرال ژانگ یوشیا در وب‌سایت رسمی ارتش آزادی‌بخش کاملاً حذف شده و هیچ اثری از او باقی نمانده است. این نشان می‌دهد موضوع بسیار جدی است و احتمال بازگشت او بسیارکم به نظر می‌رسد برخلاف لیوژن‌لی که هنوز در مرحله بازجویی است.

کنار گذاشته شدن برخی مقامات ارشد ممکن است تلفی برخورد با یک کودتا پنهان را ایجاد کند؟ آیا چنین اتفاقی رخ داده یا اهداف دیگری عامل این موضوع بوده است؟

این اتفاق برداشت اولیه‌ای ایجاد می‌کند مبنی بر اینکه در ساختار چین، وفاداری سیاسی و حزبی کاملاً بر توانمندی فردی، سابقه جنگی و روابط شخصی اولویت دارد. ژنرال ژانگ یوشیا از کهنه‌سربازان جنگ ویتنام بود، از نزدیکان و دوستان صمیمی شی جین‌پینگ به شمار می‌رفت و سابقه خانوادگی انقلابی داشت و پدرش از بنیان‌گذاران ارتش سرخ بود. با این‌حال، حتی او هم از این قضیه مصون نیست. این نشان می‌دهد نقض وفاداری حزبی در چین یک «گناه کبیره» تلفی شده و سخت‌گیرانه با آن برخورد می‌شود. کنار گذاشته شدن افراد از سال ۲۰۱۲ وجود داشته و از ۲۰۲۲ به بعد شدت گرفته است دریاسالاران، وزرا، ژنرال‌ها و حالا حتی نزدیک‌ترین افراد به ششی. کمیسیون نظامی مرکزی دو بخش دارد؛ یکی وابسته به حزب کمونیست و یکی به دولت؛ اما عملاً اعضا یکسانند و رئیس هر دو، شی جین‌پینگ است. این کمیسیون نقش کلیدی در سیاست‌های دفاعی دارد. شی جین‌پینگ از سال ۲۰۲۲ شش ژنرال را برای کمیسیون نظامی مرکزی منصوب کرد؛ اما حالا تقریباً همه آنها کنار گذاشته شده‌اند و فقط یک نفر ژنرال ژانگ شنگ‌مین که مسئول مبارزه با فساد است باقی مانده. این پیام روشنی دارد؛ شی در حال تثبیت قدرت است و نمی‌خواهد هیچ ژنرال قدرتمندی وجود داشته باشد که بتواند با اهداف او مثل اتحاد مجدد با تایوان یا تصرف ۲۰۲۷ مخالفت کند. جایگزینی ژانگ یوشیا تعیین‌کننده خواهد بود؛ هر کسی که بیاید، نشان‌دهنده جهت‌گیری سیاسی ارتش خواهد بود. چقدر به حزب وفادار است و چقدر به شخص شی نزدیک خواهد بود. مبارزه با فساد از ابتدا کلدواژه برخورد‌ها بوده؛ اما این کنار گذاشته شدن‌ها فراتر از فساد مالی به نظر می‌رسد. کتاب سفید دفاع ملی (۲۰۲۵) صراحتاً می‌گوید امنیت حزب کمونیست بر امنیت مردم اولویت دارد و وفاداری مطلق به حزب ضروری است. احتمالاً ژانگ و همراهانش در برخی مسائل استراتژیک مثل تایوان با دیدگاه رئیس‌جمهور چین همسو نبودند.

مهم‌ترین دلایل حذف نظامیان چینی چه بوده است؟
بعید است کودتا به معنای کلاسیک آن وجود داشته باشد. ساختار چین اجازه چنین چیزی را به‌راحتی نمی‌دهد و رسانه‌های داخلی هیچ اشاره‌ای به کودتا ندارند. بررسی سوابق از ۲۰۱۲ نشان می‌دهد کنار گذاشته شدن افراد همیشه با کلدواژه «فساد» شروع شده؛ اما در نیروهای مسلح بیشتر به وفاداری مطلق به حزب و شی مربوط است. این حذف‌ها احتمالاً برای تضمین وفاداری کامل پیش از تحقق اهداف بزرگ است. اهدافی مثل ارتش مدرن در ۲۰۳۵ و ارتش درجه یک جهان در ۲۰۴۹ است. شایعه کودتا بیشتر در فضای مجازی و رسانه‌های خارجی تکرار شده؛ اما منبع معتبر داخلی ندارد. بیانیه وزارت دفاع فقط این دو نفر را نام برد و جزئیات بیشتری نداد. تعداد زیادی جابه‌جایی رخ داده اما برخورد قاطع فقط با این دو صورت گرفته است.

بنابراین وضعیت داخل چین نرمال است و این پاک‌سازی تأثیری بر ثبات کلی ندارد؟

از منظر آشوب عمومی یا فروپاشی، خیر؛ ساختار چین مقاوم است و چنین چیزی یک‌کشه همه چیز را عوض نمی‌کند؛ اما هدف اصلی شی تثبیت قدرت مطلق است. ژانگ احتمالاً از خطوط قرمز عبور کرده بود چه در فساد، چه در وفاداری با دیدگاه‌های استراتژیک.

